

مسئولیت کیفری دولت در حوزه اکوساید

آیدا حیدری*

سیدمجتبی واعظی**

چکیده

گذار از دولت ژاندارم به دولت رفاه و گسترش حوزه اختیارات و مسئولیت‌های دولت زمینه را برای وقوع جرائم بسیار و در نتیجه تولد موضوع مسئولیت کیفری دولت ایجاد کرد. در ایران با به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری دولت در سال ۱۳۹۵ و تصریح در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، مباحثات و اختلاف‌نظرها پایان یافت. از دغدغه‌های این نوشتار مسئولیت کیفری دولت در حوزه جرم اکوساید است که موجبات نابودی گونه‌های گیاهی و جانوری را ایجاد می‌کند؛ در نتیجه با پذیرش مسئولیت مطلق دولت‌ها در عرصه بین‌المللی سعی بر آن است تا راه مناسبی برای جبران خسارت‌های وارده بر محیط‌زیست در نظر گرفته شود. یکی از عوامل مؤثر در این زمینه تولید و استفاده از محصولات تراریخته است که قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران بدان پرداخته و در تبصره ماده ۳۱ قانون برنامه ششم توسعه مسئولیت دولت در باب آزمایش فرآورده‌های تراریخته و اطلاع‌رسانی به مردم را مورد تصریح و تأکید قرار داده است.

کلیدواژه‌ها:

اکوساید، دولت، محصولات تراریخته، محیط‌زیست، مسئولیت کیفری.

*. دانشجوی دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

aidaheidari40@yahoo.com

mojtaba_vaezi@yahoo.com

** دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

مقدمه

مسئولیت کیفری مبتنی بر شرایطی است که در خصوص اعمال مجازات بر انسان ذی‌شعور مورد توجه است^۱ اما در مقوله جدید، مسئولیت کیفری دولت و اشخاص حقوقی نیاز به توضیح و رفع ابهام دارد. مخالفان بی‌شماری در مقابل پدیده نوظهور مسئولیت کیفری دولت قد علم کرده‌اند و دلایلی از جمله عدم امکان اعمال برخی مجازات‌ها، عدم نیل به اهداف مجازات‌ها و مهم‌تر از همه نقض اصل شخصی بودن مجازات‌ها را بیان می‌کنند. در مقابل گروهی نیز با توجه به تغییر نقش دولت‌ها و اختیارات و صلاحیت‌های روزافزونی که در زمره وظایف دولت قرار می‌گیرد او را هم‌سان اشخاص حقیقی دارای مسئولیت می‌دانند و با توجه به گسترده‌گی این وظایف داشتن مسئولیت را امری بدیهی برای اشخاص حقوق عمومی در نظر می‌گیرند و با استناد به اصول متعددی که سرلوحه کشورهای مختلف قرار گرفته، سعی در توجیه مسئولیت کیفری دولت دارند از جمله اصل مجرمیت اکتسابی، برابر انگاری، مغز متفکر و مجرمیت عاریه‌ای که توسط کشور آمریکا مطرح شد و سرلوحه کشور فرانسه نیز قرار گرفت؛ اما در ایران ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی با پذیرش مسئولیت کیفری دولت شرایط حدوث مسئولیت را بیان و در ماده ۲۰ به تبیین مجازات‌هایی پرداخته که هرکدام چالشی جدید را در این زمینه موجب شده‌اند از جمله آنکه مسئولیت کیفری دولت را به‌راستی بر چه مبنایی و با چه اصولی می‌توان توجیه کرد؟

نکته قابل‌تأمل دیگر آنکه با توجه به نقش روزافزون دولت‌ها در عرصه اقتصادی و تغییر نقش دولت ژاندارم به دولت رفاه و تصدی‌گری‌هایی که دولت فاعل آن است، توجه‌مان به فعالیت‌هایی جذب می‌شود که برای انسان‌ها و محیط‌زیست بسیار خطرناک است. آلودگی‌های زیست‌محیطی که در دهه‌های اخیر به مرز بحران رسیده موجب فتح باب مسئولیت دولت در آلودگی‌های محیط‌زیست شده‌است. آلودگی‌های محیط‌زیست که در سطح گسترده به اکوساید تعبیر می‌شود به معنای زیست‌کشی واژه‌ای جدید است که به‌تازگی با توجه به

۱. مجتبی جعفری. مبانی و اصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی، ص ۷ تا ۳۲.

حجم جنایاتی که در سطح جهان علیه محیط‌زیست و به تبع آن انسان، به وقوع پیوسته وارد دستور زبان ما شده‌است. هرچندکه واژه مذکور در هیچ‌کدام از مواد قانونی به چشم نمی‌آید اما اقداماتی در این زمینه انجام شده که می‌تواند به‌مثابه سنگ‌بنای حمایت‌هایی در زمینه محیط‌زیست تلقی شود؛ از جمله قانون پنج‌ساله برنامه ششم توسعه که مسئولیت دولت را در تبصره ماده ۳۱ به‌صراحت بیان کرده است: «دولت موظف است تا آزمایش‌های لازم را جهت تشخیص مواد غذایی تراریخته به عمل آورد و مردم را از مواد غذایی تراریخته باخبر سازد و خطرات احتمالی این مواد را که بر اساس آزمایش‌های معتبر معلوم می‌شود به مردم اعلام کند.» از این رو رویکرد این نوشتار پس از بررسی مبانی و اصول مسئولیت کیفری دولت در ق.م.ا، تمرکز بر حوزه اکوساید و محصولات تراریخته و مسئولیت‌های دولت در این حوزه است.

گفتار اول. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

بند اول. تعریف مسئولیت کیفری و مبانی آن

جرم، مسئولیت کیفری و مجازات سه ضلع طلایی حقوق کیفری هستند. اعمال مجازات به احراز مسئولیت کیفری و احراز مسئولیت کیفری به احراز مجرمیت وابسته است.^۱ منظور از مسئولیت کیفری «برخورداری از تکلیف به پاسخگویی در برابر هرگونه رفتار ناهنجاری است که قانونگذار برای آن مجازات تعیین کرده، خواه آن رفتار در عالم خارج نتیجه ملموسی داشته باشد، خواه نداشته باشد.»^۲ اما احراز مسئولیت کیفری به‌خودی‌خود کار آسانی نیست. در حقوق کیفری کلاسیک که تنها اشخاص حقیقی دارای مسئولیت بودند مسئولیت کیفری دارای شرایط سه‌گانه‌ای بود، اول آنکه مرتکب دست به ارتکاب فعل یا ترک فعلی بزند که جرم تلقی می‌شود. دوم آنکه فرد مرتکب دارای اهلیت و ظرفیت ارتکاب جرم باشد به عبارتی از اهلیت جنایی^۳ برخوردار باشد؛ زیراکه ممکن است جرم حتی به‌واسطه فعل یک حیوان یا بلایای طبیعی رخ دهد و منجر به آسیب و یا ورود خسارت گردد اما به‌هیچ‌عنوان نمی‌توان

۱. ایرج گلدوزیان، بهمن حسین جانی، مبانی اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در

حوزه ادیان، الهیات و حقوق، بهار و تابستان ۱۳۸۴. شماره ۱۵ و ۱۶، ص ۱۲۷ تا ۱۴۶.

۲. مجتبی جعفری، مبانی و اصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی، ص ۷ تا ۳۲.

حیوان و یا بلایای طبیعی را موضوع مسئولیت کیفری قرار داد.^۱ از این رو داشتن اهلیت جنایی یعنی اراده و قصد ذهنی ارتکاب جرم که فقط از انسان که یک موجود ذی شعور است برمی آید^۲ و بدین نحو نمی توان حتی تلف یک انسان به واسطه حریق طبیعی یا حمله یک حیوان را مورد مجازات قرار داد. پس بر این اساس، منظور از اهلیت جنایی مجموع عوامل روانی لازم برای امکان انتساب رفتار مجرمانه به فاعل است که بر پایه دو رکن اراده و آگاهی استوار است؛ اما نباید این گونه تصور شود، هر انسانی که هنجارهای مورد نظر قانونگذار را نفی می کند موضوع مجازات قرار می گیرد بلکه باید شرط سومی را افزود که از آن به عنوان اهلیت جنایی یاد می شود. منظور آن است که تنها انسان های دارای رشد و عقل در صورت ارتکاب جرم مجازات خواهند شد و انسان های فاقد شعور و رشد عقلی به دلیل فقدان اهلیت جنایی^۳ نمی توانند موضوع مجازات قرار گیرند زیرا اهلیت و ظرفیت تحمل مجازات را ندارند؛^۴ بنابراین کودکان و مجانین از دایره مسئولیت کیفری خارج اند، زیرا در هنگام ارتکاب جرم اراده و قصد کافی برای ارتکاب جرم نداشته و با قصد قانون شکنی دست به عمل مجرمانه زده اند و از طرفی قادر به درک ارزش ها و قانونگذار نمی باشند. با توجه به رویه جدید کشورهای مختلف در تبیین مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی و دولت این سؤال پیش می آید که با وجود شرایط مذکور در تحقق مسئولیت کیفری دولت ها را توجیه نمود؟ به نظر می رسد در پاسخ به این سؤال توسل به دو دلیل عمده «عدالت» و «نفع اجتماعی» راهگشا باشد.

– عدالت: از مهم ترین اهداف حقوق کیفری تحقق عدالت است و در واقع هدف از تبیین جرائم و مجازات ها توجه به عنصر عدالت است؛^۵ زیرا اگر تفاوتی میان آن هایی که قانون را پاس می دارند و هنجارها را مراعات می کنند با افراد قانون شکن و نافی هنجار نباشد دیگر عدالتی هم وجود نخواهد داشت. از این رو، پذیرش عنصر عدالت در تحقق مسئولیت کیفری از اهمیت به سزایی برخوردار است. در دهه های اخیر با تغییر رویه کشورها و پذیرش مسئولیت

۱. مرتضی محسنی، دوره حقوق جزای عمومی، ج ۳، مسئولیت کیفری، چ ۱، کتابخانه گنج دانش ۱۳۷۶، ص ۶ به بعد.

۲. منصور میرسعیدی، مسئولیت کیفری، قلمرو و ارکان، بنیاد حقوقی میزان، چاپ سوم، زمستان ۱۳۹۰، ص ۲۱.

3-Penal capacity

۴. جان کلی، تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب، ترجمه محمد راسخ، انتشارات طرح نو ۱۳۸۴، ص ۷۶ به بعد.

5-Andrew Ashworth.Principles of criminal law. Six edition. OXFORD 2009. P 17

کیفری دولت و اشخاص حقوقی می‌توان دید که قانونگذار در راستای تحقق عدالت گامی بزرگ برداشته و به دلیل گستردگی اختیارات و وظایفی که از جهت تأمین نظم و خدمات عمومی برای دولت‌ها قائل شده مسئولیت آن‌ها را نیز به رسمیت شناخته تا به تحقق عدالت فردی و عدالت اجتماعی دست یابد. در زمینه عدالت فردی به دلیل گستردگی اموری که دولت بدان اقدام می‌کند بدیهی است که دایره وسیعی از افراد را در برگیرد در نتیجه اگر اقدام دولت غیرقانونی باشد دایره اثر آن هم به همان اندازه گسترده خواهد شد و نسبت به جرائم افراد و اشخاص حقیقی با تعداد وسیعی از بزه‌دیدگان روبه‌رو خواهیم بود که در پی عدالت چشم به مجازات متخلف دارند. از این منظر، ارتکاب هرگونه رفتاری که توسط اشخاص حقوقی منافع واقعی یا احتمالی افراد جامعه را به خطر اندازد شایسته مجازات است. عدالت اجتماعی نیز با ترسیم مقررات روشن و تبیین جرائم و مجازات‌ها از طرفی اشخاص حقوقی متخلف را در پناه اصل قانونی بودن جرم و مجازات قرار می‌دهد و از طرفی دیگر افراد پایبند به قانون تحت حمایتی معنوی قرار می‌گیرند و از مجازات شدن افراد متخلف اطمینان حاصل می‌کنند.

- نفع اجتماعی: منظور آن است که در هر جامعه‌ای منافع عمومی ایجاب می‌کند تا افراد بزهکار و متخلف بر اساس قانونی از پیش تعیین شده به دلیل شکستن هنجارهای جامعه مجازات گردند. به عبارتی منافع جامعه حکم می‌کند که در برابر مجرمان ایستادگی کرد تا مصلحت‌هایی که اجتماع بر اساس آن شکل گرفته دست‌نخورده و سالم باقی بمانند.^۱ به نظر می‌رسد که این مبنا را بتوان به تحقق مسئولیت کیفری دولت نیز تسری داد؛ زیرا که مهم‌ترین دلیل آن جلب اعتماد مردم است. بدیهی است که مردم از دولت خویش انتظار دارند تا قانون را در جامعه اجرا کند و متخلفین از قانون را به سزای عملشان برساند حال اگر متخلف اشخاص حقوقی باشند و با دست‌اندازی به اختیارات و صلاحیت‌های عدیده خویش از مجازات فرار کنند و یا براساس قانون برای خویش مصونیت ویژه‌ای قائل شوند. در طول زمان اعتراض و سرخوردگی مردم بیشتر شده و اعتمادشان سلب خواهد شد. از طرفی دیگر با توجه به گستردگی روابط دولت و ارتباطاتی که با شهروندان و افراد خصوصی دارد بدیهی است در صورت آلوده شدن دولت به جرم، تعداد افرادی که دنباله‌رو این مسیر خواهند شد بسیار گسترده خواهد بود. از این منظر با به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی و دولت می‌توان از نتایج زیان‌باری که در پی خواهد داشت جلوگیری کرد.^۲

۱. جان کلی همان، ص ۱۸۰ به بعد.

۲. جعفری، همان، ص ۷ تا ۳۲.

علی‌رغم تمامی مبانی و دلایل پیش‌گفته با ظهور عقل‌گرایی و انسان‌گرایی در عرصه نوین حقوق «اراده» به مهم‌ترین عامل در تبیین مسئولیت کیفری بدل شد که خود منجر به ایجاد چالشی اساسی در زمینه پذیرش مسئولیت کیفری دولت بود. در ادامه با بیان نظریه‌های مخالفین و موافقین به این پرسش پاسخ می‌دهیم که آیا می‌توان برای دولت‌ها مسئولیت کیفری شناخت؟

بند دوم. مخالفان و موافقان مسئولیت کیفری دولت

مخالفان در رد نظریه مذکور، مهم‌ترین دلیل خود را فقدان عنصر اراده می‌دانند؛ از این رو برای انتساب جرم، ما نیاز به تقصیر داریم و تقصیر نیازمند برخورداری فاعل از قدرت تعقل، ادراک و اراده مستقل است که منحصر به موجود انسانی است و موجودات دیگر از آن بی‌بهره‌اند. به عبارتی برای تحقق هر جرم علاوه بر عنصر مادی که تحقق فعل یا ترک فعلی مجرمانه است، احراز عنصر معنوی دارای اهمیت است. بدین معنا که مجرم از لحاظ روانی برای ارتکاب جرم قصد و عمد داشته باشد (جرم عمدی) و یا بدون قصد مرتکب خطایی گردد که بتوان او را مستحق جزا دانست (جرم غیرعمد یا خطای محض)؛ بنابراین تحقق عنصر مادی به‌تنهایی برای تحقق مسئولیت کیفری ملاک نیست و باید اراده یا خطای جزایی به‌عنوان عنصر معنوی محقق شود. با این وجود، چگونه می‌توان برای اشخاص حقوقی که فاقد اراده می‌باشند مسئولیت کیفری قائل شد؟ موافقان در پاسخ ضمن پذیرش دلیل ارائه‌شده باور دارند که روان و قوه تعقل در اشخاص حقیقی و حقوقی یکسان نیست و مشخصاً با هم تفاوت‌هایی دارد از این رو نمی‌توان برای انتساب جرم با همان دلایلی که درباره اشخاص حقیقی وجود دارد به انتساب جرم درباره اشخاص حقوقی رسید. لاجرم باید از ادله متفاوتی بهره جست تا مسئولیت محقق شود؛ زیرا دولت‌ها به‌عنوان قدرت‌های مدرن امروزه از وسائل و امکانات بسیاری بهره‌مندند که برای جامعه ایجاد خطر کرده و می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری بر جای گذارد. بدیهی است که معیار لازم برای مسئولیت کیفری این اشخاص باید بسیار وسیع‌تر از اشخاص حقیقی باشد. از طرفی اراده یک امر تکوینی خارجی نیست و همان‌طور که می‌توان عدم وجود اراده را درباره طفل و اعمالی که در نتیجه فقدان اراده از او سر می‌زند مفروض دانست درباره اشخاص حقوقی هم می‌توان با مفروض دانستن اراده این اثر حقوقی را بر آن بار کرد و تصمیماتی که توسط رأی اکثریت برای شخص حقوقی اتخاذ می‌شود را نتیجه اراده

شخص حقوقی و متمایز از اراده افراد تصمیم‌گیرنده مفروض دانست.^۱ دومین دلیل بر مبنای اصل اختصاصی^۲ بیان می‌شود؛ بدین معنی که تنها اشخاص حقیقی می‌توانند مرتکب جرم شوند و اشخاص حقوقی که از وجود واقعی بی‌بهره‌اند و تنها یک وجود اعتباری دارند نمی‌توانند مرتکب جرم گردند. به‌موجب این اصل «اعتبار اشخاص حقوقی و موجودیت آنان تا بدان جاست که در محدوده تجویز شده از سوی مقنن عمل کنند. از آنجاکه ارتکاب جرم ورای این محدوده است موجودیت این اشخاص در این حالت بی‌مفهوم شده و در نتیجه فاقد شخصیت می‌گردند.» اما موافقان، استدلال می‌کنند که حتی اگر نتوان قائل به ارتکاب جرم توسط اشخاص حقوقی شد اما باز هم نمی‌توان منکر این نکته شد که فعالیت برخی از تشکلهای به‌گونه‌ای است که می‌تواند ارتکاب جرم را در پی داشته باشد به‌عنوان مثال کارخانه‌ای را در نظر بگیرید که پسماندهای خود را به آب می‌ریزد و منجر به آلودگی زیست‌محیطی می‌شود آیا می‌توان این کارخانه را از مسئولیت کیفری مبرا دانست؟

سومین دلیل، عدم امکان اجرای برخی مجازات‌ها در قبال جرائم اشخاص حقوقی است. از این رو مجازات‌هایی از جمله سلب حیات و حبس برای اشخاص حقوقی قابل اجرا نبوده و هدف از مجازات که اصلاح مجرم است محقق نخواهد شد. در پاسخ موافقان اظهار می‌کنند که با وجود تمایزات بدیهی میان اشخاص حقوقی و حقیقی باید با توجه به ماهیت ویژه این اشخاص و اعمالی که مرتکب می‌شوند، نوع ویژه‌ای از مجازات‌ها را در نظر گرفت که از مجازات اشخاص حقیقی متمایز باشد؛ نظیر مصادره اموال، انحلال، جریمه نقدی، ممنوعیت در انجام برخی فعالیت‌ها که به‌نوبه خود منجر به تحقق اهداف بازدارندگی و ارعاب خواهند شد؛ اما دلیل آخر که می‌توان بدان به‌عنوان مهم‌ترین بینه مخالفان استناد کرد؛ تقابل مسئولیت کیفری دولت و اشخاص حقوقی با اصل شخصی بودن مجازات است؛ اما پیش از تعریف «اصل شخصی بودن مجازات» باید میان این اصل و سه اصل «فردی کردن مجازات»، «شخصی بودن مسئولیت کیفری» و «فردی بودن مسئولیت کیفری» تفاوت قائل شد؛ زیرا هر کدام از مضمون و محتوایی متمایز برخوردارند. اصل فردی بودن مسئولیت کیفری در راستای زدودن مسئولیت کیفری

۱. محمدرضا باقرزاده، *بحثی درباره مسئولیت کیفری دولت، معرفت، مهر و آبان* ۱۳۷۹، شماره ۳۶، ص ۴۳ تا ۵۱.

۲. استفانی، گاستون و لواسور، ژرژ و بولوک، برنار، *حقوق جزای عمومی*، چاپ دوم، جلد اول و دوم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۳، ص ۴۰۳.

جمعی ایجاد شد، در گذشته‌های دور جمع، واحد اجتماعی به شمار می‌آمد و هرگاه یکی از افراد اجتماع مرتکب جرمی می‌شد بر همه تأثیر می‌گذاشت و از این رو همه مسئول بودند؛ در نتیجه با تغییر واحد اجتماعی از جمع به فرد، مسئولیت کیفری فردی نمود یافت. در ادامه اصل شخصی بودن مجازات بنیان نهاده شد. بر مبنای آن تنها فرد مرتکب و خاطی مستحق مجازات است نه اقوام و خانواده او و آثار مجازات هم تنها باید بر فرد مرتکب اثر گذارد نه بر اشخاص ثالث؛ زیرا پیش از این مجازات جنبه شخصی نداشت و علاوه بر مجرم بر اطرافیان او هم اعمال می‌شد؛ اما با گذشت زمان، احراز مسئولیت کیفری به عنوان شرط لزوم اجرای مجازات در نظر گرفته شد؛ از این رو شرایطی برای احراز مسئولیت کیفری شخصی بیان شد، نظیر انتساب تقصیر به مرتکب، آگاهی، عقل و داشتن اختیار که می‌توانست زمینه‌ساز مسئولیت کیفری شخصی و در نتیجه منجر به اعمال اصل شخصی بودن مجازات شود؛^۱ اما پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی با این اصل تناقض دارد؛ زیرا بر فرض تصمیم‌گیری چند تن از یک واحد دولتی و مجرمانه بودن تصمیم مذکور همان‌ها باید مجازات شوند نه تمامی افراد تشکیل‌دهنده واحد حقوقی، زیرا در اتخاذ تصمیم نقشی نداشته‌اند.^۲ با اعمال مجازات‌هایی نظیر انحلال، تعطیلی موقت و حتی جرائم مالی، عملاً مجازات بر تمامی افراد زیرمجموعه واحد حقوقی اعمال می‌شود و این در تناقض آشکار با اصل شخصی بودن مجازات است؛ اما موافقین در مقابل با استناد به ادله زیر این چالش را مرتفع کرده‌اند: اولاً شناسایی مسئولیت کیفری شخص حقوقی رافع مسئولیت کیفری شخص حقیقی نیست و در صورت وقوع جرم شخصی، شخص حقیقی باید دارای مسئولیت کیفری و موضوع مجازات قرار گیرد. ثانیاً حوزه حقوقی اشخاص حقوقی بایستی از حوزه حقوقی اشخاص حقیقی جدا شود. وقتی از مسئولیت کیفری دولت صحبت می‌کنیم، منظورمان جرائمی است که دولت از منظر دولت بودن مرتکب شده نه از منظر افرادی که منتسب دولت‌اند. ثالثاً پذیرفتن شیء به معنای پذیرفتن لوازم آن است.

نمی‌توان چیزی را پذیرفت و لوازم عقلی، عرفی و حقوقی آن را نادیده گرفت؛ از این رو اعضای یک واحد حقوقی با پذیرفتن عضویت در آن مسئولیت کیفری و مدنی را که از لوازم آن است پذیرفته و همگام با بهره‌مند شدن از تسهیلات و امتیازات عضویت در

۱. رضا فرج‌اللهی، *مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه*، چاپ اول، نشر میزان ۱۳۸۸، ص ۵۴.

۲. محمدجواد صفار، *شخصیت حقوقی*، نشر دانا ۱۳۷۳، ص ۷۳.

۳. رضا فرج‌اللهی، *تأثیر جرم‌شناسی اثبات‌گرا بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی*، تحقیقات حقوقی، زمستان ۱۳۸۹، ویژه‌نامه شماره ۲، ص ۴۴۱ تا ۴۹۰.

شخص حقوقی در صورت لزوم مسئولیت را نیز متقبل می‌شوند «من له الغنم فعلیه الغرم»^۱. رابعاً گاهی بنا به دلایلی نظیر اعمال نظارت جهت پیشگیری از وقوع جرم قانون‌گذار با تصریح به مسئولیت فردی غیر از مرتکب به‌نوعی اتمام‌حجت کرده تا در صورت ارتکاب جرم بتواند به جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده اقدام کند. نظیر مسئولیت عاقله که در قانون مجازات اسلامی تصریح شده و منافاتی با اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری و یا شخصی بودن مجازات ندارد.^۲

با پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی باید با بررسی اصول حاکم بر مسئولیت کیفری به رویکرد قانونگذار در تصویب ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی و تبیین مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی پی ببریم.

بند سوم: رویکرد جمهوری اسلامی در خصوص مسئولیت کیفری

در راستای ایجاد مسئولیت کیفری برای مجرم آنچه اهمیت دارد، انتساب جرم به فاعل معین یا به عبارتی ایجاد رابطه سببیت میان جرم و فاعل آن است که از آن به عنصر مادی یاد می‌کنند و دیگری انتساب جرم به اراده آزاد فاعل و خودآگاه است که به‌عنوان عنصر معنوی تعبیر می‌شود. اسناد مادی امری موضوعی است و با وضعیت روانی مرتکب ارتباطی ندارد و تنها نکته مهم آن است که بتوان میان فعل ارتكابی و فاعل رابطه سببیت ایجاد کرد، اسناد مادی به‌خودی‌خود موجب مسئولیت کیفری مرتکب نیست مگر فاعلی که دارای علم و اراده باشد. از این‌رو مهم‌ترین دلیل مخالفت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی فقدان اهلیت مادی و معنوی این اشخاص است زیرا نه اندامی دارند که بتوانند خود فاعل یک فعل مجرمانه شوند و نه دارای اراده و علم می‌باشند که مقصر در نظر گرفته شوند؛ اما با پذیرش مسئولیت کیفری و رویکرد جدید قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۴۳ این سؤال پیش می‌آید که قانونگذار با چه عنوانی و با توسل به چه اصولی جرم را به اشخاص حقوقی منتسب می‌داند؟

۱. کسی که سود ببرد زیان هم متوجه اوست.

۲. محمدرضا باقرزاده، همان، ص ۴۳ تا ۵۱.

الف. اصل عاریه‌ای بودن مجرمیت؛ مسئولیت نیابتی^۱

طبق این اصل انتساب عناصر مادی و معنوی جرم به شخص حقوقی عاریه‌ای است و شخص مذکور عناصر مادی و معنوی جرم را از اشخاص حقیقی که کارکنانش هستند به عاریه می‌گیرد.^۲ به عبارتی چون اشخاص حقیقی نمایندگان اشخاص حقوقی محسوب می‌شوند، اعمال و تصمیماتشان هم به نمایندگی است و اگر در راستای اعمال وظیفه مرتکب جرم و جنایتی گردند شخص حقوقی نیابتاً مسئولیت کیفری خواهد داشت. این نظریه توسط حقوقدان‌ها آمریکایی و برای پاسخ به حقوقدان‌ها انگلیسی بیان شد که صرفاً مسئولیت دولت را بر مبنای نظریه مسئولیت اکتسابی و در جرائمی که نیازمند اثبات عنصر روانی نبود می‌پذیرفتند و برای تبیین مسئولیت کیفری دولت در چارچوب جرائمی که اثبات آن‌ها نیازمند تحقق عنصر روانی بود تلاش کردند تا با نظریه‌هایی نظیر مغز متفکر و یا برابرنگاری مبنایی برای مسئولیت کیفری متصور شوند اما به نتیجه نرسیدند. نظریه نیابتی تا حدودی مشکلات را برطرف کرد و موجبات مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را مهیا کرد از این رو مورد توجه حقوقدان‌ها فرانسوی هم قرار گرفت. به موجب این نظریه تردیدی نیست که اشخاص حقیقی اهداف شخص حقوقی را دنبال می‌کنند از این رو اگر جرمی انجام دهند به نمایندگی از شخص حقوقی مرتکب جرم گشته و شخص حقوقی نیابتاً دارای مسئولیت کیفری خواهد بود اما اشکال وارد بر این نظر، گستردگی بیش از حد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است. مطابق این اصل حتی اگر شخص حقیقی در راستای انجام وظیفه، بدون مجوز و خودسرانه جرمی مرتکب شود باز هم شخص حقوقی مسئول خواهد بود.^۳

ب. نظریه مسئولیت مستقیم؛ مغز متفکر

این نظریه به منظور حمایت هرچه بیشتر حقوق زیان‌دیده ایجاد شد و از آن به‌عنوان اصل شخصیت ثانویه^۴ هم یاد می‌شود. مطابق اصل مذکور مدیران عالی‌رتبه تجسمی از

1-Vicarious liability.

۲. محسن شریفی، محمدجعفر حبیب‌زاده، محمد عیسایی تفرشی و محمد فرجیها، *دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران*، مجله حقوقی دادگستری، تابستان ۱۳۹۲، سال هفتاد و هفتم، شماره ۸۲، از ص ۱۱۷ تا ۱۶۰.

۳. مجتبی جعفری، همان، ص ۷ تا ۳۲.

4-identification.

شخص حقوقی محسوب می‌شوند؛ در نتیجه افکار، تصمیمات و حالات روحی آنها همان افکار، تصمیمات و حالات روحی شخص حقوقی است. به عبارتی هر شخص حقوقی دارای یک مرکز فرمان و یک مرکز عصبی است که همان مدیران و کارمندان تحت امر مدیر می‌باشند. شخص حقوقی از این مرکز کنترل و اداره می‌شود پس اگر جرمی مرتکب گردند به معنای آن است که شخص حقوقی خود مرتکب جرم شده و می‌تواند موضوع مسئولیت کیفری قرار گیرد. این نظریه از باب تحقق عنصر معنوی از نظریه قبل کامل‌تر است، اما ایراد وارده به این نظریه، از باب امکان تفویض اختیار مدیران به کارمندان زیردست خود است و دگرزینی برای تبیین مسئولیت کیفری بر این اساس وجود ندارد.^۱

ج. نظریه تقصیر جمعی^۲

مطابق این نظریه تحقق یک جرم حاصل تقصیر یک قوه هدایتگر نیست، بلکه عناصر مادی و معنوی جرم در تمامی اعضای شخص حقوقی توزیع شده و همین امر انتساب جرم به یک شخص واحد را بر نمی‌تابد.^۳ در نتیجه مطابق این نظریه می‌توان از اصل مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی دفاع قابل توجهی به عمل آورد و در این حالت شخص حقوقی را موضوع مسئولیت کیفری دانست.^۴

د. اهداف طلایی^۵ شخص حقوقی؛ نظریه خطمشی

این نظریه که می‌تواند برآیند نظریات پیش‌گفته و راه‌حلی جهت توجیه مسئولیت کیفری دولت باشد را می‌توان در سیستم حقوقی کشور استرالیا دید که در سال ۱۹۱۵ با پذیرش نظریه سیاست و خطمشی اشخاص حقوقی^۶ توانست مشکلات ناشی از عدم امکان انتساب برخی جرائم از جمله قتل غیرعمد به اشخاص حقوقی را مرتفع کند.^۷

۱. محسن شریفی، همان، ص ۱۱۷ تا ۱۶۰.

2-Aggregation.

۳. در سال ۱۹۸۷ در پرونده مربوط به حادثه تلخ غرق کشتی متعلق به شرکت کشتیرانی کشور انگلستان به واسطه باز بودن پنجره‌های دماغه رخ داد این دیدگاه مطرح شد که اشخاص زیادی از کمپانی گرفته تا رئیس کشتی، افسر ارشد، کمک ملوان و مسئول نظارت بر خدمه و تجهیزات کشتی مقصر بودند. هرچند این نظریه رد شد و دادگاه شرکت را مسئول شناخت.

۴. همان. محسن شریفی.

5-Golden Goals .

6-Wagner, Markus, Corporate Criminal Liability. National and International Responses. 1999.pp4-5.

۷. محسن شریفی، همان، ص ۱۱۹ تا ۱۲۵.

مطابق این نظر که در اینجا با عنوان اهداف طلایی مطرح شد، مسئولیت کیفری دولت فارغ از قصد و اراده اشخاص حقیقی و یا تصمیمات متخذه مدیران و رهبران شخص حقوقی که قوه عصبی اشخاص حقوقی در نظر گرفته می‌شوند، می‌تواند مسئولیت کیفری دولت را در جرائم متعدد توجیه و به اثبات برساند. در این نظریه مسئولیت کیفری دولت با توجه به سیاست و خطمشی شخص حقوقی و با تدقیق و بررسی اساسنامه، اصول، شیوه رفتار، قواعد و احکامی که به کارمندانش دیکته می‌کند تا در مسیر دست‌یابی به اهداف طلایی خود قرار گیرد مشاهده کرد. از این رو مسئولیت کیفری شخص حقوقی لزوماً ناشی از تصمیم و تفکر یک فرد نیست بلکه می‌تواند نتیجه اهدافی باشد که یک شخص حقوقی برای خود متصور است. جرائمی که بدین‌گونه صورت می‌گیرد کم نیست و مثال‌های بی‌شماری از آن دیده می‌شود که در پی اهدافی نظیر سودآوری بیشتر، کار مضاعف و کاهش هزینه‌ها به وقوع می‌پیوندد. به‌طورمثال شرکتی را در نظر بگیرید که در راستای سودآوری بیشتر ساعت کار کارمندان خود را افزایش داده، اگر در اثر خستگی و بی‌دقتی کارمندان جرمی رخ دهد و یا در اثر خواب‌آلودگی راننده شرکت، تصادفی منجر به کشته‌شدن سرنشینان هر دو خودرو گردد چه کسی پاسخ‌گو است؟ از این رو بررسی سیاست‌های شخص حقوقی و اصولی که برای رسیدن به آن اهداف دنبال می‌کند خود مهم‌ترین ابزار ارتکاب جرم است و نتیجه آن گریزناپذیری شخص حقوقی از مسئولیت کیفری به‌خصوص در جرائم مرگبار است.

اما این سوال ایجاد می‌شود که رویکرد قانون مجازات اسلامی در پذیرش مسئولیت کیفری دولت بر کدام یک از نظریات پیش گفته استوار است؟ پیش از هر چیز باید بگوییم در یک تقسیم‌بندی کلاسیک اشخاص حقوقی به دو دسته خصوصی و عمومی تقسیم می‌شوند. در باب اشخاص حقوقی حقوق خصوصی، خواه انتفاعی باشند خواه غیرانتفاعی، با پذیرش مسئولیت کیفری این دسته از اشخاص با توسل به اصل برابری در اکثر نظام‌های حقوقی بحثمان را بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی عمومی متمرکز خواهیم کرد. با نگاهی کلی به ماده ۱۴۳: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست». به نظر می‌رسد رویکرد قانونگذار ایران در مسئولیت کیفری را بتوان بر مبنای اصل مجرمیت عاریه‌ای توجیه کرد؛ زیرا شخص حقوقی زمانی دارای مسئولیت است که شخص حقیقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرم شود. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که اصل مذکور برای اولین بار جهت

توجیه مجازات معاون جرم مطرح شد؛^۱ مجرمیت معاون از آن رو است که مجرمیت خود را از مباشر به عاریه گرفته و همچون مباشر مسئول است اما به دلیل عدم مشارکت مستقیم در ارتکاب فعل مجرمانه، مجازات کمتری برایش متصور است. هر چند در ماده ۱۴۳ قانونگذار به این اصل اشاره‌ای نکرده اما به وضوح با مسئول شناختن شخص حقیقی که به نمایندگی شخص حقوقی مرتکب جرم می‌گردد می‌توان این اصل را برداشت کرد؛ اما معاونت در اینجا موضوعیت ندارد زیرا شخص حقیقی نه بر اثر تحریک و تشویق شخص حقوقی مرتکب جرم شده و نه شخص حقوقی از اراده‌ای برخوردار است که بر شخص حقیقی تأثیرگذار باشد. از این رو می‌توان اصل مباشرت معنوی ناشی از عمل غیر را بیان کرد که برخی آن را مباشرت معنوی تغییر یافته می‌دانند^۲؛ اما نکته آخر رویکرد متفاوت قانونگذار در تبصره ماده ۱۴ ق.م.ا. است: «چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز شود دیه و خسارت، قابل مطالبه خواهد بود... اعمال مجازات تعزیری بر اشخاص حقوقی مطابق ماده ۲۰ خواهد بود». به نظر می‌رسد در این تبصره با توجه به لزوم احراز رابطه علیت میان فعل مجرمانه و شخص حقوقی، نظریه مجرمیت اکتسابی پذیرفته شده و مبنای مسئولیت کیفری و مدنی شخص حقوقی، در صورت ورود خسارت به جان یا مال اشخاص جهت پرداخت خسارت یا دیه، نظریه مجرمیت اکتسابی است که وجه تمایز آن با نظریه مجرمیت عاریه‌ای در این نکته است که در مجرمیت عاریه‌ای فرد لوازم ارتکاب جرم (اهلیت مادی و معنوی) را از مرتکب اصلی به عاریه گرفته و هر دو موضوع مسئولیت کیفری خواهند بود و مجازات خواهند شد؛ اما طرفداران نظام یگانگی جرم، اکتسابی بودن مجرمیت را در باب معاونت بیان کرده و معتقدند که معاون جرم که با تطمیع و تحریک موجبات وقوع جرم را مهیا کرده وابسته به مجرم اصلی است و از او اکتساب مجرمیت می‌کند. به عبارتی سبب اقوی از مباشری است که شخصاً مسئول است. همچنین با توجه به قسمت اخیر تبصره ماده ۱۴ که اعمال مجازات تعزیری را وفق ماده ۲۰ می‌داند، خود مثبت این مدعی است که ماده ۱۴ صرفاً از باب تعیین تکلیف در باب جنایات و مسئولیت مدنی است. در حالی که ماده ۲۰ در مقام بیان مجازات‌های تعزیری و حدی است.^۳ اگر مبنای پذیرش مسئولیت کیفری دولت اصل مجرمیت عاریه‌ای یا نیابتی باشد به نظر می‌رسد این پرسش مطرح می‌شود که اگر شخص حقیقی به نوعی از مجازات معاف شود آیا تأثیری در مجازات شخص حقوقی خواهد داشت؟ در این زمینه باید دو وضعیت متمایز را از یکدیگر تفکیک کرد؛ حالت اول برخورداری مجرم از یکی از علل موجهه جرم مثل امر قانونی مقام ذی‌صلاح و یا اجرای قانون اهم

۱. مرتضی محسنی، همان، ص ۱۱۷ تا ۱۶۰.

۲. مجتبی جعفری، همان، ص ۷ تا ۳۲.

۳. همان، ص ۷ تا ۳۲.

در این حالت مطابق ماده ۱۵۸ ق.م.ا به دلیل زائل شدن وصف مجرمانه عمل ارتكابی قابل مجازات نخواهد بود. به عبارتی جرمی محقق نشده که بتوان با توسل بدان مجازاتی را اعمال کرد. از این رو نه شخص حقیقی و نه شخص حقوقی مسئولیت کیفری نخواهند داشت.^۱ حالت دوم برخورداری شخص حقیقی مرتکب جرم از یکی از عوامل رافع مسئولیت است مثل ارتکاب جرم در اثر اجبار یا اکراه؛ بدیهی است در این صورت عوامل رافع مسئولیت صرفاً برای شخص حقیقی قابل اعمال است و تأثیری در مسئولیت کیفری شخص حقوقی نخواهد داشت؛ اما منظور قانونگذار از عبارت «ارتکاب جرم در راستای منافع شخص حقوقی» چیست؟ آیا تحقق منافع اعم از مشروع و نامشروع مدنظر قانونگذار بوده یا در صورت عدم تحقق هم می‌توان مسئولیتی برای شخص حقوقی متصور شد؟ برای پاسخ به این سؤال الزاماً باید میان سوءنیت عام و خاص تمایز قائل شویم. منظور از سوءنیت عام، قصد مجرمانه مرتکب در نقض هنجارهای قانونی و ارتکاب یک عمل مجرمانه است که خود می‌تواند دلیلی برای مسئول شناختن مرتکب و مجازات وی باشد؛ اما این سوءنیت به خودی خود برای مجازات شخص حقوقی کفایت نمی‌کند. از این منظر باید مرتکب در راستای تحقق منافع شخص حقوقی، دست به ارتکاب عمل مجرمانه زده باشد با احراز این سوءنیت، قاضی می‌تواند مسئولیت کیفری شخص حقوقی را به رسمیت بشناسد. اما با احراز مسئولیت کیفری دولت در قانون مجازات باید بدین مهم پرداخت که با توجه به اصل ۵۰ قانون اساسی و تأکید بر حفاظت از محیط زیست آیا می‌توان دولت را در خصوص حمایت از محیط زیست و آلودگی‌های زیست محیطی دارای مسئولیت کیفری دانست؟

گفتار دوم. اکوساید و مسئولیت کیفری دولت

در جهان امروز نقش اشخاص حقوقی در امور اقتصادی و اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. اشخاص حقوقی در قالب شرکت، سندیکا، موسسه، انجمن به فعالیت‌های متعددی دست می‌زنند و موجبات فوایدی انکارناپذیر می‌شوند؛ اما از طرفی فعالیت‌های گسترده این اشخاص گاهی دارای عواقب سوئی است که حوادث هولناکی را رقم می‌زند و برای حیات بشر تهدیدی جدی به شمار می‌رود. در کشورهای در حال توسعه که عموم صنایع و فعالیت‌های اقتصادی در دست اشخاص حقوقی است زمینه وقوع جرائم بسیاری مهیا می‌شود که موجبات مسئولیت کیفری دولت را مهیا می‌کند؛ از جمله این جرائم می‌توان به جرائم زیست محیطی اشاره کرد که معضل زندگی مدرن بشر در قرن حاضر است.

۱. مرتضی محسنی، همان، ص ۱۲۰ به بعد.

از آنجاکه دولت حافظ منافع عموم است و مردم نیز به موجب قوانین و مقررات مختلف حق برخورداری از محیط زیست سالم را دارند، بحث مسئولیت دولت در آلودگی های زیست محیطی دارای اهمیت بنیادین و حیاتی است؛ زیرا که محیط زیست، موهبت و نتیجه لطف الهی به بشر است و بر همین اساس، به تمام انسان‌ها تعلق دارد تا همانند سایر نعمت‌ها و مواهب الهی، مورد استفاده خردمندانه قرار گیرد. با توجه به آیه ۵۵ سوره مبارکه یوسف (إجعلنی علی خزائن الأرض إننی حفیظ علیم) امر تدبیر و اداره سرمایه‌های طبیعی تنها باید بر عهده اشخاصی باشد که ویژگی حفیظ بودن و مسئولیت‌شناسی و تخصص را دارا باشند.^۱

بند اول. محیط‌زیست، آلودگی زیست‌محیطی و اکوساید

داشتن محیط‌زیست سالم، شرط بقای موجودات و به تبع آن بشر بر این کره خاکی است که تا پیش از صنعتی‌شدن جوامع موضوع چندان پراهمیتی به شمار نمی‌رفت و استفاده از منابع طبیعی نه تنها ایجاد مشکل نکرده بود که به رونق گونه‌های گیاهی و جانوری هم کمک شایانی می‌کرد اما با پیشرفت علم و صنعتی‌شدن جوامع و عدم توجه به عواقب دست‌اندازی به یافته‌های جدید در مدت نسبتاً کوتاهی، بشر با مشکلاتی دست‌به‌گریبان شد که برای آن پاسخ مناسبی نداشت. مهم‌ترین معضلی که نتیجه پیشرفت تکنولوژی و استفاده نامناسب از دست‌آوردهای علم نوین است آلودگی‌های محیط‌زیستی است که اکثر کشورهای دنیا را درگیر کرده است؛ گرم شدن هوا، آلودگی، انقراض گونه‌های جانوری، از بین رفتن گونه‌های گیاهی، نازک شدن لایه اوزون و فرسایش خاک همه عناوینی است که سرفصل خبرهای روز را می‌سازد. از این‌رو توجه به محیط‌زیست و حمایت از آن یک وظیفه عمومی است. در قانون اساسی ایران اصل ۵۰ به این امر اختصاص دارد.^۲ آلودگی محیط‌زیست در سراسر جهان به نسبت از موضوعات نگران‌کننده است، شهرنشینی و صنعتی شدن همراه با توسعه اقتصادی منجر به افزایش مصرف انرژی و دفع زباله شده است. آلودگی جهانی محیط زیست از جمله انتشار گازهای گلخانه‌ای و رسوب اسید و همچنین آلودگی آب و مدیریت پسماند به‌عنوان مشکلات بهداشتی بین‌المللی در نظر گرفته شده است که باید از زوایای مختلفی از جمله مدیریت سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی، قانونی و سیستم‌های مهندسی محیط زیست بررسی شود.

۱. تاریخ‌مندی، احسان، محمدتقی فخلعلی، مبانی و احکام فقهی محیط زیست، مطالعات اسلامی، ش ۷۱، ۱۳۸۴، ص ۴۳.

۲. در جمهوری اسلامی حفاظت از محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات روبه‌رشدی داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن، که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل‌جبران آن لازمه پیدا کند ممنوع است.

آلودگی های زیست محیطی از ابتدای حیات تأثیرات مخربی بر سلامتی داشته‌اند؛ از جمله مرگ‌ومیر نوزادان، اختلالات تنفسی، حساسیت، اختلالات قلب و عروقی، افزایش استرس و حتی اختلالات روانی.^۱

الف. محیط زیست

در تعریف محیط‌زیست ما با دو مفهوم سروکار داریم. محیط‌زیست طبیعی که از علوم طبیعی ناشی می‌شود و محیط‌زیست انسانی که با سازوکارهای بشری مرتبط است^۲ که هر کدام طیف وسیعی از موضوعات را پوشش می‌دهد؛ اما به معنای عام محیط‌زیست کل منابع تجدیدشونده شامل جنگل‌ها، مراتع و منابع آبی و... بوده و طیف گسترده‌ای از تعاریف تخصصی مربوطه را دربر می‌گیرد که همین امر در تفسیر ماهوی مربوط به معنای قانونی محیط‌زیست، اشکالات عدیده‌ای را ایجاد کرده است.^۳

با توجه به اهمیت غیرقابل‌انکار محیط‌زیست در چرخه حیات بشر و تأثیر به‌سزای آن بر فعالیت‌های اقتصادی انسان و جایگاه حقوق محیط‌زیست، قوانین بسیاری در ایران بدین مسئله پرداخته‌اند. علاوه بر اصل ۵۰ قانون اساسی که به بهترین شکل اهمیت محیط‌زیست را تبیین کرده، مسئله مورد بحث در قوانین دیگری نیز مطرح شده است؛ از جمله مواد ۱۷۹ و ۱۸۹ قانون مدنی ۱۳۰۷/۲/۱۸، قانون شکار مصوب ۱۳۳۵/۱۲/۴ قانون شکار و صید ۱۳۴۶/۳/۱۶ که در ارتباط با محیط‌زیست طبیعی بوده‌اند؛ اما شاید اولین قانونی که به‌طور نسبی تمامی ابعاد محیط‌زیست را در نظر گرفت «قانون حفاظت و به‌سازی محیط‌زیست» باشد که در سال ۱۳۵۳ تصویب شد در ماده ۹ این قانون اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی محیط‌زیست را فراهم نماید ممنوع اعلام شد و در ادامه آلوده ساختن محیط‌زیست بدین‌صورت تعریف شد که:

«پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین، به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیک آن را به‌طوری که زیان‌آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد».

1-Kelishadi. Environmental Pollution; Health Effects and Operational Implications for Pollutants Removal.2012

۲. بارو کریستوفر جی، اصول و روش‌های مدیریت محیط‌زیست، مهرداد اندرودی، تهران نشر کنگره، ۱۳۸۰، ص ۱۰ تا ۱۸.

۳. مجید عباس‌پور، مهندسی محیط‌زیست، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد ۱۳۷۷، جلد اول، چاپ دوم، ص ۳.

ب. آلودگی های زیست محیطی

آلودگی ترجمه فارسی واژه Pollution است که از معنای ناپاکی و کثیفی گرفته شده است. طبق ماده ۹ قانون حفاظت و به‌سازی محیط‌زیست (مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ و اصلاحیه ۱۳۷۱/۸/۲۴): «منظور از آلوده ساختن محیط زیست عبارتست از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک به زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیک آن را به‌طوری که زیان آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد، تغییر دهد. پس با توجه به این تعریف، هر تغییر در محیط زیست آلودگی محسوب نمی‌شود، بلکه باید آن تغییر برای موجودات یا ابنیه مضر باشد.^۱ انواع آلودگی‌های محیط‌زیست را می‌توان شامل: تهدید علیه بهداشت عمومی، آتش‌زدن اموال و منابع طبیعی، شکار و صید، تخریب منابع طبیعی، آلودگی آب، هوا، خاک، آلودگی‌های صوتی، آلودگی‌های شیمیایی و هسته‌ای و آلودگی ناشی از زباله دانست که عواملی نظیر ازدیاد جمعیت، مصرف بی‌رویه منابع طبیعی، تولید محصولات شیمیایی، افزایش کارخانجات صنعتی، جنگ‌های میان کشورها در عرصه بین‌المللی و تولید محصولاتی که بر اساس علم نوین ژنتیک دست‌کاری شده (محصولات تراریخته) را می‌توان از دلایل اصلی آلودگی‌های زیست‌محیطی در عصر جدید دانست که دارای اثرات بلندمدت و گسترده‌ای هستند و محیط‌زیست را برای زمانی بس طولانی دچار بحران می‌کنند.^۲ به دلیل اثبات توانایی بشر در آلودگی و نابودی محیط‌زیست و نتایج فجیعی که ظرفیت بالای ابتکارات و نبوغ انسانی رقم زده، کارشناسان اصطلاح جدیدی را وارد فرهنگ واژگان جهانی کرده‌اند که برای اولین بار در سال ۲۰۱۰ توسط سازمان ملل استفاده شد و عنوانی برای تعریف جرائم علیه محیط‌زیست محسوب می‌شود.

ج. جنایات زیست محیطی

پروفیسور اگو تدوین کننده طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها با انشای ماده ۱۹ بر آن بود تا اعمال نامشروع بین‌المللی را با توجه به اهمیت و دامنه تعهدات نقض شده طبقه بندی کند. بدین ترتیب برای اولین بار در یک سند بین‌المللی، جرائم بین‌المللی را در دو دسته جنایت بین‌المللی و جنحه بین‌المللی از هم تفکیک نماید به موجب بند ۲ ماده ۱۹

۱. حمید بهرامی احمدی، اعظم علم‌خانی، مبانی مسئولیت مدانی دولت در قبال آلودگی‌های زیست‌محیطی، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال سوم، بهار ۱۳۹۳، شماره ۷، ص ۹۵-۱۱۳.

۲. ناصر قاسمی، حقوق کیفری محیط‌زیست انتشارات سازمان محیط‌زیست، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۱۲ تا ۱۶.

پیش نویس طرح کمیسیون حقوق بین الملل راجع به مسئولیت دولت ها (۱۸۹۰) «چنانچه تخلف بین المللی دولت ناشی از نقض تعهدی بین المللی باشد که رعایت آن برای صیانت از منافع اساسی جامعه بین المللی آن چنان ضروری است که نقض آن از سوی جامعه بین المللی به طور کلی جنایت شناخته می شود، تخلف مزبور «جنایت بین المللی» محسوب می شود». متعاقب تعریف جنایت بین المللی، کمیسیون حقوق بین الملل در بند ۳ همین ماده در مقام ارائه مصادیقی از این نوع جرم بوده است. به موجب بند ۳ با توجه به مفاد بند ۲ و براساس قواعد حقوق بین الملل جاری، یک جنایت بین المللی ممکن است، از موارد زیر ناشی شود:

- الف. نقض شدید تعهدی بین المللی که برای صلح و امنیت بین المللی اهمیت اساسی دارد، مانند تعهد به منع تجاوز؛
- ب. نقض شدید تعهدی بین المللی که برای صیانت از حق تعیین سرنوشت ملت ها اهمیت اساسی دارد، مانند تعهد به منع استقرار یا حفظ سلطه استعماری به زور؛
- ج. نقض شدید تعهدی بین المللی در مقیاسی گسترده که برای صیانت بشر اهمیت اساسی دارد، مانند تعهد به منع بردگی، کشتار دسته جمعی و تبعیض نژادی؛
- د. نقض شدید تعهدی بین المللی که برای صیانت و حفظ محیط زیست انسانی اهمیت اساسی دارد، مانند تعهد به منع آلودگی وسیع جو یا دریا.
- این موارد جنایی که پیرامون نقض شدید صلح، حق تعیین سرنوشت ملت ها و حقوق بشر یا میراث مشترک بشریت یعنی محیط زیست می باشد، لیکن در طرح مواد مربوط به مسئولیت دولت، عنوان «جنایت» یعنی crime در معنای تخصصی آن، یعنی شدیدترین جرم به صورت آگاهانه به کار رفته است؛ زیرا گزارشگر ویژه در مقابل آنها به جنحه یعنی Delict که از شدت درجه خطرناکی کمتری در حقوق جزا برخوردار است، اشاره می کند. بند ۴ همین ماده نیز اشعار می داشت: «هر تخلف بین المللی که طبق بند ۲ این ماده، جنایت بین المللی محسوب نشود، جنحه بین المللی تلقی خواهد شد».^۱

از طرفی مطابق ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در راستای تبیین جنایات بر ضد بشریت به تصریح اعمالی از جمله قتل، به بردگی گرفتن، قلع و قمع کردن، کوچ اجباری، حبس و محرومیت شدید آزادی، حاملگی اجباری و عقیم کردن اجباری، آزار گروه ها به لحاظ سیاسی، قومی یا نژادی، مذهبی یا جنسی و سایر اعمال ضد انسانی مشابه که

۱. علی حسین نجفی ابرندآبادی، مسئولیت کیفری بین الملل تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، ۱۳۷۳.

عامداً به قصد ایجاد رنج زیاد یا صدمه شدید به جسم یا سلامت جسمی یا روحی صورت پذیرد، اقدام کرد هر چند تمایل چندانی برای رسیدگی به جرائم زیست‌محیطی در رویه کاری دیوان دیده نمی‌شود. با گذشت زمان انسان درصدد تلاش برای دست‌یابی به رفاه و آسایش بیشتر به محیط‌زیست به‌عنوان وسیله‌ای برای تأمین نیازهای خویش متوسل شد که ورود خسارت جبران‌ناپذیری به محیط زیست را سبب شد. همین عامل منجر بدان شد که اسناد بین‌الملل در سال‌های اخیر تخریب زیست‌محیطی را مصداق جرم علیه بشریت مطرح کنند. پس از انتقادهای فراوان، دیوان نیز در یک جهش در کانون فعالیت‌هایش در ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۶ (شهریور ۱۳۹۵) اعلام داشت که جرائمی را که منجر به تخریب محیط‌زیست، استثمار منابع طبیعی و تصرف غیرقانونی زمین گردند در اولویت قرار می‌دهد.^۱

د. اکوساید

اکوساید^۲ اصطلاحی است که به معنای زیست‌بوم‌کشی، طبیعت‌کشی، جنایت علیه محیط‌زیست و هرگونه خسارت و تخریب گسترده چشم‌اندازهای طبیعی و ایجاد اختلال یا نابودی اکوسیستم‌های یک منطقه است به عبارتی کشتن یک آهو یا قطع یک گیاه اکوساید نیست اما اگر تعداد زیادی از یک نوع حیوان یا یک نوع گیاه نابود شود، اکوساید محقق شده که هم یک معضل جدی است و هم گسترده و مداوم است و اهمیت و جدیت آن می‌تواند هم به دلیل میزان خسارت وارده و هم به دلیل گستردگی دایره انسان‌ها و گونه‌های گیاهی و جانوری باشد که تحت تأثیر این آسیب‌ها قرار می‌گیرند. این واژه در کنفرانس جنگ و مسئولیت ملی واشنگتن در ۱۹۷۰ ثبت شد که در آن آرتور گالستون^۳ زیست‌شناس آمریکایی و کاشف عامل نارنجی^۴ نقش بسیار مهمی در یک توافق بین‌المللی برای ممنوعیت جنایت زیست‌محیطی ایفا کرد. در کنفرانس زیست‌محیطی استکهلم ۱۹۷۲، اولاف پالمه، نخست وزیر سوئد در افتتاحیه سخنرانی خود به صراحت جنگ ویتنام را به عنوان یک جنایت زیست‌محیطی نامید. به موازات کنفرانس محیط‌زیستی استکهلم، سازمان ملل، مبحث اکوساید توسط جریانهای غیررسمی نیز پیگیری شد. یک گروه کاری در رابطه با اکوساید در این کنفرانس تشکیل شد اما هیچ اشاره‌ای به جنایت زیست‌محیطی

۱. ندا محمدعلیخانی، مرتضی محمدعلیخانی، تبیین مفاهیم جنایت علیه محیط‌زیست، فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۳۰، ۱۳۹۶.

2-Ecocide

3-Arthur Galston

4-Defoliant

5-United Nations Environment programm

دولت‌ها برای رسیدگی به این موضوع تحت فشار قرار گرفتند. در دهه ۱۹۷۰ ایده گسترش کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸ سبب تحقیق گسترده درباره امکان قرار دادن اکوساید در کنار کنوانسیون نسل‌کشی شد.^۱

بند دوم. اکوساید و مسئولیت دولت

آلودگی‌های زیست‌محیطی را می‌توان به‌عنوان جرائم محیط‌زیست به اشکال اولیه و ثانویه تقسیم‌بندی کرد. در شکل اولیه آلودگی و آسیبی که به‌طور مستقیم ناشی از تخریب منابع زمین است و یا جرائمی هستند که در اثر هم‌زیستی با اعمال اولیه یا وابسته به چینی تخریب‌هایی و برای تنظیم یا جلوگیری از این اعمال می‌باشد که از آنها به‌عنوان جرائم سبز یاد می‌شود. جرائم سبز ثانویه می‌توانند ناشی از سواستفاده از شرایطی باشند که متعاقب بحران‌ها یا خسارات زیست‌محیطی ایجاد می‌شوند مثل بازارهای غیرقانونی مواد غذایی، دارو و آب؛ یا در نتیجه نقض قوانینی باشند که در صدد تنظیم آسیب‌های زیست‌محیطی هستند. اکوساید یکی از این جرائم سبز و به تعبیر دیگری «سبب یا اجازه ایجاد آسیب به محیط‌زیست طبیعی در مقیاس گسترده است» که منعکس‌کننده «نقض وظیفه حمایتی است که به‌طور کلی وام‌دار انسانیت است». این امر مهم و جلوگیری از هرگونه ارتکاب جرائم سبز از وظایفی است که برعهده دولت است و به زعم راقم این سطور حتی می‌تواند با توجه به مطالب پیش‌گفته برای دولت مسئولیت کیفری به همراه داشته باشد.^۲

بر اساس ماده پ کنوانسیون مونته‌ویدئو مورخ ۱۹۳۳ در باب حقوق و تکالیف دولت، دولت را به‌عنوان تابع حقوق بین‌الملل دارای شرایط زیر می‌داند:

۱. جمعیت دائمی؛
۲. سرزمین معین؛
۳. حاکمیت (توانایی برقراری ارتباط با سایر دول)؛
۴. حکومت.

و مطابق تعریف ابوالفضل قاضی: «دولت جامعه سیاسی سازمان‌یافته و نهادبندی شده‌ای است که از سایر جوامع متمایز بوده و شخصیت مشخص و متمایزی از عناصر ترکیبی خود دارد.»^۳ و از آنجایی که مدیر و گرداننده یک جامعه است، ناگزیر طرف حق و تکلیف هم قرار می‌گیرد که لازمه آن شناختن شخصیت حقوقی مستقل برای دولت و جدای از شخصیت هیئت حاکمه یا زمامداران آن است، «وجود شخصیت حقوقی دولت امری بدیهی و

1-Hornfeldt.Isabel. A Law on Ecocide, A Way to End Mess Destruction of the World's Ecosystem.2016

2-Protecting the Planet; A Proposal for a Law of Ecoside. Short. South. Higgins

۳. ابوالفضل قاضی، **بایسته‌های حقوق اساسی**، نشر دادگستر، چاپ سوم، ۱۳۸۲، ص ۶۳-۶۵.

انکارناپذیر است و دولت نه تنها بزرگ‌ترین شخصیت حقوقی حقوق عمومی، بلکه بزرگ‌ترین شخصیت حقوقی هر کشور است، اما نکته جالب این است که معمولاً در متون قانونی به این امر تصریح نشده و شاید جزء بدیهیات حقوقی محسوب می‌گردد.^۱

از طرفی با توجه به تغییر نقش دولت‌ها و تبدیل دولت ژاندارم به دولت رفاه حجم گسترده‌ای از وظایف، بر عهده دولت است که پیش از این سابقه نداشت. دولتی که تنها در عنوان تأمین‌کننده نظم خلاصه می‌شد با تغییر دایره وظایفش در حوزه خدمات عمومی با موضوعات جدیدی روبه‌رو شد که مسئولیت را می‌توان یکی از کلیدی‌ترین مباحث آن دانست. در سال‌های اخیر تأمین نظم عمومی در حوزه امنیت، آسایش و بهداشت و سلامت و تأمین خدمات عمومی نظیر آموزش و پرورش، توزیع آب و برق و بهداشت عمومی از جمله وظایف ذاتی دولت‌ها به شمار می‌رفت. از طرفی دولت‌ها با عهده‌دار شدن بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی حوزه فعالیت خود را گسترده‌تر کردند که در کشورهای در حال توسعه امری رایج و بدیهی است که خود موجبات آلودگی‌های زیست‌محیطی را فراهم کرده است. و ناقض دو دسته از مهم‌ترین حقوق انسان‌ها از جمله «حق سلامت» و «حق حیات» است. در نتیجه با توجه به پذیرش شخصیت حقوقی مستقل برای دولت‌ها در حقوق عمومی و مسئولیت که از تبعات آن است، می‌توان مسئولیت دولت در آلودگی‌های زیست‌محیطی را به رسمیت شناخت.

در عرصه بین‌المللی تلاش‌های اولیه و اوراق سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که اعضاء و نمایندگان نهادهای مختلف سازمان ملل متحد از جمله کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها، کمیته حقوقی مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بین‌الملل در طی زمان‌های مختلف، یک دوره چهل ساله، به تعریف جرمی که از محیط‌زیست محافظت کند، پرداخته‌اند؛ از جمله اکوساید. پیش‌نویس ۱۹۹۱ به وسیله اولین مطالعات کمیسیون حقوق بین‌الملل در چهل و سومین نشست پذیرفته شد و با گنجاندن جنایت فردی از آسیب عمدی و شدید به محیط زیست تصویب شد.^۲ هرچند که کشورهای هلند، بریتانیا و آمریکا مخالف گنجاندن اکوساید در پیش‌نویس لایحه بودند. تلاش بعدی چهل و هشتمین جلسه کمیسیون حقوق بین‌الملل سال ۱۹۹۶ برای گنجاندن جنایت آسیب‌های زیست‌محیطی بود که هیچ‌یک از پیشنهادات کریستین تاموشات^۱ مبنی بر قراردادن و محسوب کردن جنایات زیست‌محیطی به‌مثابه یک جنایت متمایز و علیه بشریت پذیرفته نشد و «آسیب عمدی و

۱. محمد امامی و کوروش استوارسنگری، حقوق اداری، تهران نشر میزان، جلد اول، ۱۳۸۹، ص ۴۹-۵۰.

2-Meghan Nicholson. 2012. Evaluating Ecocide: Invaluable or Invalid university of otago .

شدید به محیط‌زیست» به‌عنوان بخشی از مسئولیت دولت و جنایت زیست‌محیطی حذف شد.^۱ علی‌رغم این امر، مسئولیت دولت در حوزه جرم اکوساید به رسمیت شناخته شده و با تکیه بر اصل «مسئولیت مطلق»^۲ تلاش شد تا با توجه به اهمیت موضوع مورد بحث و گستردگی دایره آسیب‌دیده‌های این جنایت بهترین راه برای تشویق دولت‌ها به رفتارهای پیشگیرانه محقق گردد تا هم راه جبران خسارت را باز گذارد و هم موجبات پیشگیری از جرائم علیه محیط‌زیست را ممکن کند این اصل مورد مخالفت عده‌ای قرار گرفت؛ زیرا قرار دادن اکوساید در حوزه جرائم کیفری بین‌الملل را موجب ارتقا اهداف اجتماعی ندیده و پیشنهاد می‌کردند که با بالا بردن سطح کار و ایجاد یک سیستم جبران خسارت، موجبات پیشرفت چنین موضوعی را فراهم کنند، زیرا فعل یا ترک فعلی که اکوساید تلقی می‌شود می‌تواند منطبق بر اراده شخص باشد مثل تخریب عمدی گونه‌های در حال انقراض و یا کوتاهی در جلوگیری از ارتکاب جرم مذکور یا در اثر سهل‌انگاری باشد. مانند بهره‌برداری از منابع یا اعطای وام‌هایی جهت توسعه بهره‌برداری بدون توجه به عواقب و خطرات آن و یا غفلت مثل بر عهده گرفتن پروژه‌های توسعه نامناسب، با اصل مسئولیت مطلق که مسئولیت اشخاص را فارغ از اراده و انگیزه آنها به رسمیت می‌شناسد قابل توجیه نیست. از طرفی شناختن اکوساید به‌عنوان یک جرم بین‌المللی خود مشکل دیگری ایجاد می‌کند و آن نبود یک مکانیزم اجرایی مناسب برای مجازات دولت مجرم است. این گروه معتقدند اکوساید بایستی با توجه به نقشی که در زمره حق سلامت و حق حیات بشر ایفا می‌کند به‌عنوان نسل سوم حقوق بشری شناخته شود تا استانداردهای حیات را ارتقا بخشد.^۴ از این رو توجه به راهکارهای پیشگیرانه از حمایت بیشتری برخوردار است. چنان‌که در سال‌های اخیر جهت هدایت فعالیت‌های بشر و جلوگیری از صدمه به محیط‌زیست و در نتیجه آن صدمه به انسان اصل جدیدی در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست پدیدار گشت که به اصل «اقدامات احتیاطی» معروف است که با پذیرش اعلامیه ریو در سال ۱۹۹۲ در کنفرانس ملل متحد در باب محیط‌زیست جایگاه مهم‌تری به دست آورد. مطابق این اصل دستیابی به سیاست‌های پایدار و حفاظت از محیط‌زیست باید همگام با ارزیابی‌های پیشگیرانه و با توجه

1-Christian Tomuschat

2-Anja Gauger, Mai Pouye Rabatel- Fernel, Louise Kulbicki. 2013. The Ecocide Project Ecocide is the missing 5th crime against peace the Human Rights. school of Advanced Study University London

3-Strict liability

4-Mark Allan Grey.The international crime of ECOCIDE. California Western International Law Journal. Vol 26.1995.

.No 2

به علل تخریب انجام شود تا آلودگی‌های زیست‌محیطی و جرائم علیه اکوسیستم به حداقل خود برسد.^۱ در آخر اینکه طرفداران اکوساید معتقدند اگر عمل انجام شده شدید، طولانی و گسترده باشد. تبعات بین‌المللی داشته باشد و توجیه‌ناپذیر محسوب شود یک جنایت بین‌المللی شناخته شده و برای دولت‌ها مسئولیت در پی خواهد داشت، زیرا که به لحاظ اخلاقی نمی‌توان این جنایت را نادیده گرفت.^۲

اصل ۵۰ قانون اساسی ایران با بیان ممنوعیت برخی اعمال درصدد بوده تا با در نظر گرفتن اصل اقدامات احتیاطی در راستای حمایت و حفاظت از محیط‌زیست گام بردارد؛ اما در قوانین داخلی ایران واژه اکوساید در متن هیچ‌یک از قوانین حمایتی محیط‌زیست به چشم نمی‌خورد و همچون معنای بین‌المللی خود، به‌عنوان جرم شناخته نشده است هرچند که توجه قوانین سال‌های اخیر به موضوع مهم محصولات تراریخته که خود یکی از انواع جرائم اکوساید است قابل توجه به نظر می‌رسد.

بند سوم: محصولات تراریخته در مرکز توجه قانون^۳

یکی از پاسخ‌ها به نیاز روزافزون بشر به مواد غذایی تولید محصولات تراریخته است که علاوه بر منفعتی که در این راستا برای جوامع مختلف به‌خصوص کشورهای پرجمعیت به ارمغان آورده، چالش‌ها و مسائلی را با خود همراه داشته است. ویژگی‌های منحصر به فرد این نوع محصولات آثار زیست‌محیطی، انسانی و حقوقی بسیاری داشته که اهمیت بحث در این زمینه را به‌خصوص در عالم حقوق دوچندان کرده است.

موجودات زنده تراریخته به موجوداتی گفته می‌شود که دارای ترکیب مواد ژنتیکی جدید بوده و از طریق استفاده از فناوری زیستی جدید به دست می‌آیند. محصولات تراریخته هم به موجودات زنده تراریخته یا ترکیبات غذایی، دارویی یا علفه‌ای اطلاق می‌شود که در تولید آنها از موجودات زنده تراریخته استفاده شده است.^۴

تولید این محصولات در سال‌های اخیر پاسخی مناسب به کمبود مواد غذایی در جهان و تغذیه دام‌ها و تولید انبوه محصولات کشاورزی و دارو و نجات جان انسان‌های بیمار بوده

۱. مهرداد جلیلیان، بررسی وظایف دولت در جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست، مطالعات علوم سیاسی حقوق و فقه، زمستان ۱۳۹۵، دوره دوم، شماره ۱/۴، ص ۱۰ تا ۱۸.

۲. ندا محمد علیخانی، مرتضی محمد علیخانی، تبیین مفاهیم جنایت علیه محیط زیست.

3-Genetically Modified

۴. ملاحظات اخلاقی و حقوقی در کاربرد محصولات تراریخته با نگاهی به قانون ملی ایمنی زیستی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری شماره ۱، ۱۳۹۰، ص ۳۵، مهاجر و همکاران.

اما علاوه بر فواید مذکور استفاده از محصولات تراریخته موجبات نگرانی عدیده‌ای در حوزه حوزه سلامت انسان‌ها و محیط‌زیست شده است. از جمله امکان ایجاد آلرژی و حساسیت در میان انسان‌ها، رهاسازی موجودات تغییر یافته ژنتیکی در محیط‌زیست و به دنبال آن تغییر ساختار جمعی موجودات زنده در حیات وحش و محیط‌زیست و یا عواقب استفاده از برخی محصولات در تغییر ژنتیکی محصولات تراریخته که گاهی موجبات بیماری و مرگ انسان‌ها را فراهم کرده است. در این زمینه می‌توان به قضیه معروف شرکت مونسانتو اشاره کرد؛ شرکتی چندملیتی در حوزه صنایع کشاورزی و بیوتکنولوژی که در زمینه تولید علف‌کش و آفت‌کش‌های شیمیایی و همچنین در حوزه مهندسی ژنتیک فعال بوده و با محصولات خود بازار کشاورزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سریلانکا یکی از کشورهای مصرف‌کننده محصولات شرکت مذکور پس از مدتی متوجه موجی از بیماری کشنده کلیه در میان کشاورزان برنج این ناحیه شد. تعداد زیادی از شالیکاران این منطقه بدون داشتن بیماری زمینه‌ای از جمله دیابت نوع دو به از کارافتادگی شدید کلیه مبتلا شده و طی مدت کوتاهی جان خود را از دست می‌دادند. همین امر توجه پزشکان را به مسئله آفت‌کش‌های مورد استفاده از شرکت مونسانتو جلب کرد. نتیجه تحقیقات حاکی از آن بود که محصولات این شرکت حاوی مقادیر زیادی سم گلیفوسات است که می‌تواند موجبات بیماری کلیه در مردان و سرطان‌های سینه و رحم در زنان را فراهم کند. علاوه بر آن محصولات تولیدی این شرکت که برای تغذیه دام و طیور استفاده می‌شد، نتایج ژنتیکی هولناکی به همراه داشت که می‌توان به متولد شدن حیوانات و حتی انسان‌هایی که شرایط جسمی غیرمعمولی را تجربه می‌کردند اشاره کرد. شکایت علیه این شرکت همچنان در دادگاه کیفری بین‌المللی جریان دارد اما بسیاری از کشورها با توجه به تأثیرات مخرب این نوع محصولات شرکت مذکور را تحریم کردند.

استفاده از محصولات تراریخته یکی از چالشی‌ترین مسائل جهان امروز است و با توجه به ادعاهایی که در این زمینه مبنی بر امکان ابتلا به انواع سرطان‌ها از جمله کبد، کلیه، سینه و حتی سقط جنین مطرح می‌شود به موضوع مهمی در حوزه حقوق بدل شده است. اولین قانونگذاری در این حوزه به دهه ۱۹۹۰ برمی‌گردد^۱ در سال ۱۹۹۲ کنوانسیون بین‌المللی تنوع زیستی ریودوژانیرو زمینه‌ساز پروتکل ایمنی-زیستی کارتاژنا شد که در سال ۲۰۰۰ به تصویب رسید و ۳ سال بعد به مرحله اجرا درآمد، این پروتکل برای کمک و همیاری در جهت تضمین سطح مناسب حفاظت در زمینه انتقال، به‌کارگیری و استفاده ایمن از موجودات زنده اصلاح‌شده ژنتیکی یا تراریخته است که ایران در سال ۱۳۸۲ پس از تصویب

۱. مهاجر و همکاران، همان، ص ۳۷.

مجلس شورای اسلامی بدان پیوست. نکته‌ای که باید بدان اشاره کرد موضوع مسئولیت دولت در حوزه محصولات تراریخته است که تنها در ماده ۲۷ مذکور بدان اشاره شده و با عنوان مسئولیت مدنی خاتمه یافته است. پروتکل ناگویا کوالامپور نیز در راستای اجرایی شدن ماده ۲۷ در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۰ به تصویب رسید و ایران نیز آن را امضا کرد هرچند به‌طور رسمی بدان نپیوست. این پروتکل در راستای تدوین و فراهم آوردن قوانین بین‌المللی و روش‌هایی جهت جبران خسارت و مسئولیت ناشی از موجودات اصلاح‌شده ژنتیکی است اما باز هم عنوان مسئولیت کیفری در آن دیده نمی‌شود. به دنبال پروتکل کارتاها در سال ۱۳۸۸ ایران با تصویب قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی گامی در راستای تعریف محصولات تراریخته و قانونمند نمودن آن‌ها برداشته است. در ماده ۳ این قانون شورایی به نام «شورای ملی ایمنی زیستی» به‌عنوان ناظر پیش‌بینی شده‌است؛ اما شناسایی مسئولیت دولت را شاید بتوان با توجه به تبصره ماده ۳۱ قانون پنج‌ساله برنامه ششم توسعه که در سال ۱۳۹۵ تصویب شد، به رسمیت شناخت. مطابق این تبصره دولت موظف است اقدام لازم برای آزمایش مواد غذایی و فراورده‌های غذایی وارداتی را جهت تشخیص مواد تراریخته به عمل آورد و با اطلاع‌رسانی مردم را از مواد غذایی تراریخته باخبر ساخته و خطرات احتمالی این مواد را که بر اساس آزمایش‌های معتبر معلوم می‌شود به مردم اعلام نماید.

بند چهارم: ضمانت اجرای مسئولیت کیفری دولت در حوزه اکوساید و محصولات تراریخته

با به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری دولت در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و اختصاص ماده ۱۴۳ این قانون بدان مجازات‌های اشخاص حقوقی در ماده ۲۰ تصریح شد: «در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده ۱۴۳ این قانون مسئول شناخته شود با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:

الف. انحلال ب. مصادره کل اموال پ. ممنوعیت از یک یا چند فعالیت موقت یا دائم ت. ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه موقت یا دائم ث. ممنوعیت از اصدار برخی اسناد تجاری ج. جزای نقدی چ. انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها، علاوه بر آن در

۱. امین بدیع صنایع اصفهانی و سعید بیگدلی، مبنای مسئولیت مدنی ناشی از محصولات غذایی تراریخته، مطالعات حقوق تطبیقی، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، شماره ۲، ص ۶ تا ۸.

تبصره ماده ۱۴ در صورت احراز رابطه علیت میان فعل شخص حقوقی و خسارت وارد شده دیده و خسارت هم قابل مطالبه است. و خسارت هم قابل مطالبه است. به نظر می‌رسد مجازات انتشار حکم محکومیت شخص حقوقی به‌وسیله رسانه‌ها که برابر ماده ۱۹ مجازات درجه ۶ محسوب می‌شود و در حقوق بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده را بتوان برای دولت‌ها در زمره جرائم زیست‌محیطی اعمال کرد؛ زیرا با توجه به اهمیت روزافزون جرائم زیست‌محیطی از طرفی و لزوم مشارکت مردم در انتخابات دولت‌ها (هرچند در کشور ما اصولاً مردم فردگرا هستند و احزاب فعالیت چندانی ندارند) از طرف دیگر، انتشار حکم محکومیت دولت‌ها در رسانه‌های ملی نمی‌تواند بی‌تأثیر باشد و بر آراء مردم اثری نداشته باشد، از این‌رو محکومیت مذکور منجر بدان می‌شود که دولت‌ها در زمینه جرائم زیست‌محیطی بیش‌ازپیش محتاط باشند و برای حفاظت از محیط‌زیست تلاش فعال داشته باشند. در نتیجه مجازات انتشار از جنبه بازدارندگی مناسبی برخوردار است و با توجه به تأثیری که بر حیثیت و وجهه دولت در جامعه دارد، بهتر است در مورد جرائم ساده اعمال نشود. با توجه به صدر ماده ۲۰ که دست قاضی را در انتخاب مجازات باز گذاشته و متناسب با شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن می‌تواند یک یا دو مورد از مجازات‌های مطرح در ماده ۲۰ را تعیین کند، به نظر می‌رسد جرائم زیست‌محیطی با توجه به تأثیری که بر چرخه حیات و سلامت مردم دارند حائز درجه‌ای از اهمیت می‌باشند و می‌توانند موضوع مجازات مذکور قرار گیرند.^۱

علی‌رغم به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری دولت در قانون مجازات جدید و تبیین مجازات‌های اشخاص حقوقی در این قانون و توجه به موضوع محیط‌زیست و آلودگی‌های زیست‌محیطی و تأثیری که محصولات تراریخته بر سلامت و حیات مردم دارند و تبیین آن در قانون پنج‌ساله برنامه ششم توسعه هشت سال پس از قانون ایمنی زیستی و امکان اعلام وقوع جرم در این زمینه مطابق ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که بیان می‌کند: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، ... محیط‌زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند» خود مبین توجه ویژه قانونگذار به جرائم زیست‌محیطی و اهمیت آن است.

۱. ادر بوگری، مسئولیت کیفری دولت در آلودگی‌های زیست‌محیطی، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره

ششم، تابستان ۱۳۹۵، از ص ۸ تا ۱۰.

نتیجه

فارغ از دلائلی که مبنی بر عدم امکان اعمال برخی مجازات‌ها، عدم تحقق اهداف اهداف مجازات و فقدان عنصر مادی و معنوی جرم برای تحقق مسئولیت کیفری توسط مخالفان در زمینه مسئولیت کیفری دولت مطرح شد، بسیاری از کشورها با پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی خط بطلانی بر دلائل ارائه شده توسط مخالفان کشیدند. کشور ایران در سال ۱۳۹۲ ضمن اصلاح قانون مجازات اسلامی با پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ماده ۱۴۳ این قانون از قافله عقب نماند و با در نظر گرفتن مجازات‌هایی نظیر انحلال، جزای نقدی، ممنوعیت افزایش سرمایه، انتشار حکم محکومیت در رسانه‌های عمومی و... به مباحثه‌ها و اختلاف نظرهای موجود پایان داد که به نظر می‌رسد راه صوابی در راستای تحقق عدالت، به‌عنوان هدف اصلی حقوق کیفری و نفع اجتماعی به‌عنوان شرط لازم حفظ مصالح اجتماعی، در پیش گرفت.

اما با یک نگاه کلی به اصول متعددی که برای توجیه مسئولیت کیفری دولت بیان شد به نظر می‌رسد اصل مجرمیت عاریه‌ای مبنای ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی قرار گرفت زیرا شخص حقوقی زمانی دارای مسئولیت کیفری است که شخص حقیقی به نام یا در راستای منفعت شخص حقوقی مرتکب جرم گردد. به عبارتی از آنجایی که شخص حقیقی به نمایندگی شخص حقوقی مرتکب جرم شده، شخص حقوقی نیابتاً با عاریه گرفتن عناصر مادی و معنوی جرم از شخص حقیقی دارای مسئولیت کیفری خواهد بود.

مضاف آنکه شناسایی مسئولیت دولت‌ها در زمینه تولید محصولات تراریخته یا محصولات تغییر یافته ژنتیکی که در پاسخ به نیازهای سیری ناپذیر بشر به خوراک و بهبود صنعت دامداری و کشاورزی جهت تولیدات انبوه در کوتاه‌ترین زمان ممکن ایجاد شد، به بحث‌های بی‌شماری دامن زده که قریب به اتفاق از بین بردن محیط زیست را نتیجه آن می‌دانند. به همین دلیل از سال ۲۰۱۰ واژه جدیدی وارد دستور زبان شد که از آن به اکوساید یا زیست‌بوم‌کشی یاد می‌شود. اکوساید در زمره جنایات علیه محیط زیست محسوب شده و تلاش‌های بین‌المللی حاکی از گنجاندن این جرم در اسناد بین‌المللی و تبیین مجازات مناسب با توجه به گستره وسیع تأثیرات مخرب جرم فوق‌الذکر بر تمامی جانداران است. از این رو به دنبال اصل ۵۰ قانون اساسی که حفاظت از محیط زیست را وظیفه‌ای عمومی می‌داند، ایران در سال ۱۳۸۸ با به تصویب رساندن «قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران»، گامی بزرگ در راستای توجه به محصولات تراریخته برداشت و ضمن تعریف این محصولات به وجود شورایی به نام «شورای ایمنی زیستی» به‌عنوان ناظر اشاره کرد؛ اما

شناسایی مسئولیت دولت در این زمینه را می‌توان با نگاهی به تبصره ماده ۳۱ قانون پنج‌ساله برنامه ششم توسعه مصوب سال ۱۳۹۵ به رسمیت شناخت که دولت را موظف دانسته تا اقدامات لازم جهت آزمایشات مواد غذایی وارداتی انجام داده و با اطلاع‌رسانی مردم را از محصولات تراریخته و خطرات ناشی از آن آگاه کند. را از محصولات تراریخته و خطرات ناشی از آن آگاه کند.

با جمع تمامی نکات فوق و توجه به فلسفه وجودی دولت که در راستای تأمین نظم عمومی و ارائه خدمات عمومی پا به عرصه وجود گذاشت، به‌راستی نمی‌توان منکر مسئولیت کیفری دولت در عرصه‌ای چنین پراهمیت شد. هرچند که خلأ و نقصان‌هایی در این راستا به چشم می‌خورد که امید است با گذر زمان و توجه روزافزون به مسئله محیط‌زیست و اکوساید مرتفع گردد.



فهرست منابع

۱. منابع فارسی

الف. کتاب‌ها

۱. استفانی، گاستون و لواسور، ژرژ و بولوک، برنار (۱۳۸۳)، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ج اول و دوم، دانشگاه علامه طباطبایی.
 ۲. امامی، محمد، (۱۳۸۹)، استوارسنگری، کوروش. حقوق اداری، ج ۱، تهران: نشر میزان.
 ۳. صفار، محمدجواد، (۱۳۷۳)، شخصیت حقوقی، نشر دانا.
 ۴. عباس پور، مجید، (۱۳۷۷)، مهندسی محیط‌زیست، ج ۱، ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
 ۵. فرج‌اللهی، رضا (۱۳۸۸)، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، ج ۱، میزان.
 ۶. قاسمی، ناصر، (۱۳۸۰)، حقوق کیفری محیط‌زیست، ج ۱، انتشارات سازمان محیط‌زیست.
 ۷. قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۲)، بایسته‌های حقوق اساسی، ج ۳، نشر دادگستر.
 ۸. کریستوفر جی، بارو (۱۳۸۰)، اصول و روش‌های مدیریت محیط‌زیست، ترجمه مهرداد اندرودی تهران.
 ۹. کلی، جان (۱۳۸۲)، تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب، ترجمه محمد راسخ، انتشارات طرح نو.
 ۱۰. محسنی، مرتضی (۱۳۷۶)، دوره حقوق جزای عمومی، مسئولیت کیفری، ج ۳، ج ۱، کتابخانه گنج دانش.
 ۱۱. میرسعیدی، منصور (۱۳۹۰)، مسئولیت کیفری قلمرو و ارکان، بنیاد حقوقی میزان. زمستان، ج ۳.
- #### ب. مقاله‌ها
۱۲. احمدپور، محمد، (۱۳۸۱)، «شرکت‌های مادر؛ الزام یا اختیار»، ماهنامه تدبیر، مرداد، ش ۱۴۷.
 ۱۳. باقرزاده، محمد، (۱۳۷۹)، «بحثی درباره مسئولیت کیفری دولت»، فصلنامه معرفت، مهر و آبان، ش ۳۶.
 ۱۴. بدیع صنایع اصفهانی، امین؛ بیگدلی، سعید (۱۳۹۳)، «مبنای مسئولیت مدنی ناشی از محصولات غذایی تراریخته»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، پاییز و زمستان، ش ۲.
 ۱۵. بوگری، نادر، (۱۳۹۵)، «مسئولیت کیفری دولت در آلودگی‌های زیست‌محیطی»،

۱۵. بوگری، نادر، (۱۳۹۵)، «مسئولیت کیفری دولت در آلودگی‌های زیست‌محیطی»، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، تابستان، ش ۶.
۱۶. تاریمرادی، احسان. فخلعلی، محمدتقی (۱۳۸۴)، «مبانی و احکام فقهی محیط زیست»، مطالعات اسلامی، ش ۷۱، ص ۶۶-۳۱.
۱۷. جعفری، مجتبی، (۱۳۹۵)، «مبانی و اصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، پاییز و زمستان، دوره ۷، ش ۲.
۱۸. جلیلیان، مهرداد، (۱۳۹۵)، «بررسی وظائف دولت در جلوگیری از آلودگی محیط زیست»، مطالعات علوم سیاسی و حقوق و فقه، زمستان، دوره ۲، ش ۴/۱.
۱۹. شریفی محسن و همکاران، (۱۳۹۲)، «انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان»، آموزه‌های حقوق کیفری، پاییز و زمستان، ش ۶.
۲۰. شریفی، محسن؛ حبیب زاده، جعفر؛ عیسایی تفرشی، محمدجعفر؛ فرجیها، محمد، (۱۳۹۲)، «دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، تابستان، دوره ۷۷، ش ۸۰.
۲۱. فرج‌اللهی، رضا، (۱۳۸۹)، «تأثیر جرم‌شناسی اثبات‌گرا بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، زمستان، ویژه‌نامه ش ۲.
۱۵. بوگری، نادر، (۱۳۹۵)، «مسئولیت کیفری دولت در آلودگی‌های زیست‌محیطی»، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، تابستان، ش ۶.
۱۶. تاریمرادی، احسان. فخلعلی، محمدتقی (۱۳۸۴)، «مبانی و احکام فقهی محیط زیست»، مطالعات اسلامی، ش ۷۱، ص ۶۶-۳۱.
۱۷. جعفری، مجتبی، (۱۳۹۵)، «مبانی و اصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، پاییز و زمستان، دوره ۷، ش ۲.
۱۸. جلیلیان، مهرداد، (۱۳۹۵)، «بررسی وظائف دولت در جلوگیری از آلودگی محیط زیست»، مطالعات علوم سیاسی و حقوق و فقه، زمستان، دوره ۲، ش ۴/۱.
۱۹. شریفی محسن و همکاران، (۱۳۹۲)، «انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان»، آموزه‌های حقوق کیفری، پاییز و زمستان، ش ۶.
۲۰. شریفی، محسن؛ حبیب زاده، جعفر؛ عیسایی تفرشی، محمدجعفر؛ فرجیها، محمد، (۱۳۹۲)، «دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، تابستان، دوره ۷۷، ش ۸۰.
۲۱. فرج‌اللهی، رضا، (۱۳۸۹)، «تأثیر جرم‌شناسی اثبات‌گرا بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، زمستان، ویژه‌نامه ش ۲.

۲۲. گلدوزیان، ایرج و حسین جانی، محسن (۱۳۸۴)، «میانی اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری در حوزه ادیان»، فصلنامه الهیات و حقوق، بهار و تابستان، ش ۱۵ و ۱۶.
۲۳. محمدعلیخانی، ندا، محمدعلیخانی، مرتضی، «تبیین مفاهیم جناین علیه محیط زیست»، فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات بین‌الملل پلیس، سال هفتم، ش ۳۰، تابستان، ص ۱۹۳-۲۱۹.
۲۴. مهاجر، مینا و صفایی، حسین (۱۳۹۰)، مهدوی دامغانی، «عبدالمجید. ملاحظات اخلاقی و حقوقی در کاربرد محصولات تراریخته با نگاهی به قانون ملی ایمنی زیستی»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، بهار، سال ۶، ش ۱. بهار ۱۳۹۰.
۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «مسئولیت کیفری بین‌المللی»، تحقیقات حقوقی، ش ۱۵. ۱۳۷۳.

۲. منابع انگلیسی

- 26-Ashworth, A., & Horder, J. (2013). Principles of criminal law. Oxford University Press. P.17
- 27-Gauger. A. Rabatel. M. Kulbicki. L. The Ecocide Is the Missing 5th Crime Against Peace the Human Rights. School of Advanced Study University London. 2013
- 28-Higgins.P. Short.D. South. N. (2013). Protecting the Planet; a Proposal for a Law of Ecoside
- 29-Hornfeldt.I. A Law on Ecocide, A Way to End Mess Destruction of the World's Ecosystem. Law Faculty of Lund. 2016
- 30-Kelishadi, R. (2012). Environmental Pollution; Health Effects and Operational Implications for Pollutants Removal. Journal of Environmental and Public Health
- 31-Mark Allan. G. (1996). The International Crime of Ecocide. California Western International Law Journal: 26(2), 3
- 32-Nicholson.M. Evaluating Ecocide: Invaluable or Invalid? University of Otago. 2012
- 33-Wagner, M. (1999). Corporate criminal liability: National and international responses. Commonwealth Law Bulletin, 25(2), 600-608

Criminal responsibility of government about Ecocide

Aida Heidary*

Seyyed Mojtaba Vaezi**

Abstract:

The transition from the gendarme to the welfare state and expanse of the powers and responsibilities of the government has provided a ground for the commission of crimes. As a result, the state's criminal responsibility was born. In Iran the discrepancy ended with the recognition of the state's criminal responsibility in 1395 and the stipulation in article 143 of the Islamic Penal Code. One of the concerns of this article is the criminal responsibility of government about the crime of Ecocide that causes destruction of plant and animal species. Consequently, by accepting the Strict responsibility of governments in the international arena, it seeks to provide a suitable way to compensate for environment damages. One of the effective factors in this field is the production and usage of transgenic products, which the Biological [Safety] Act of the Islamic Republic of Iran has paid attention to and in the Note of Article 31 of the Sixth Development Plan Law has been emphasized on the government's responsibility about testing of transgenic products and informing the public.

Keywords: Ecocide, Government, Transgenic products, Environment, Criminal Responsibility..

1- Ph.D. Student [in] Public Law, Shiraz University. (Corresponding Author) International and Public law Department. Shiraz. Iran.

2- Associate Professor of Public LAW, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University. International and Public law Department. Shiraz. Iran.